

Prevention of urban violations; Proposing an Enforcment model



Jafar Sarvi

PhD student in criminal law and criminology,
Department of Law, Mashhad Branch, Islamic
Azad University, Mashhad, Iran
jafarsarvi776@gmail.com

Abstract

Today, cities, as complex human-made ecosystems, face a dual challenge: limited resources and a high demand from residents seeking to benefit from them. This dynamic has led to the emergence of behaviors that undermine urban comfort and public order. Public authorities often label such behaviors as illegal and respond with coercive measures under the justification of protecting public interests. These illegal behaviors generally fall into two categories: crimes and violations. Although fundamentally different in nature, function, and mode of occurrence, both are equally prevalent. The high incidence of urban violations suggests that traditional crime-oriented preventive policies and uniform intervention strategies have failed to address them effectively.



Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2051192.1130>

Additionally, while concepts such as decriminalization and non-penal interventions have been applied in the context of urban crime, they have largely been ignored in the realm of urban violations. This is despite the fact that such violations often have a more immediate and widespread impact on the daily lives of citizens, especially the poor and marginalized, making it crucial to apply these progressive concepts.

In the absence of empirical research, urban managers have increasingly leaned toward expanding criminalization, seeking to reclassify violations as crimes to leverage stronger enforcement mechanisms. However, this approach overlooks the distinct characteristics of urban violations and their social roots, leading to ineffective policy outcomes.

This article addresses the core question: Why have urban violation prevention strategies failed, and what constitutes an appropriate model for addressing them? Using a descriptive-explanatory method and library-based research, the article proposes and explains a tailored enforcement model. It argues that the success of preventive measures in the context of urban violations depends on adopting a model specifically designed for their unique nature.

Keywords: Urban violations, prevention, enforcement model, restorative justice.



پیشگیری از تخلفات شهری؛ پیشنهاد الگوی اجرایی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
jafarsarvi776@gmail.com

جعفر سروی 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:
<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2051192.1130>

چکیده

خسارت تأخیر تأدیه در نظام حقوقی ایران، نهادی با ماهیت جبرانی است که برای بازگرداندن ارزش واقعی طلب به طلبکار در صورت تأخیر ناموجه بدهکار پیش بینی شده است. با این حال در سال‌های اخیر، سازمان امور مالیاتی، بر پایه‌ی تفسیر موسع از مفهوم «درآمد»، اقدام به اخذ مالیات از مبالغ محکوم به‌عنوان خسارت تأخیر تأدیه کرده است. مسئله‌ی اصلی این پژوهش، بررسی مشروعیت فقهی و قانونی این رویه با توجه به تفاوت مفهومی میان غرامت و درآمد است. سؤال محوری مقاله آن است که آیا می‌توان خسارت تأخیر تأدیه را با وصف درآمد توصیف و آن را مشمول مالیات دانست؟ این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است که در آن با تحلیل تطبیقی مفاهیم درآمد، غرامت، مسئولیت مدنی و اصول مالیاتی در حقوق ایران و فقه امامیه نشان داده می‌شود که تلقی خسارت تأخیر تأدیه به‌عنوان درآمد، فاقد مبنای قانونی، مخالف با اصول مسلم فقهی، مغایر با عدالت مالیاتی و در مواردی حتی مستعد انطباق با عناوین مجرمانه است.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اخذ مالیات از این خسارت، علاوه بر فقدان مشروعیت فقهی و حقوقی، موجب اخلال در نظم قراردادی، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی نیز خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: خسارت تأخیر تأدیه، مالیات بر درآمد، فقه امامیه، غرامت قراردادی، مسئولیت مدنی، عدالت مالیاتی، اصل قانونی بودن مالیات.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پیشگیری از تخلفات شهری جنبه‌ای حیاتی برای حفظ نظم عمومی و ترویج توسعه‌ی پایدار در مناطق شهری است. مقررات برای کنترل جنبه‌های مختلف زندگی شهری همانند ساخت‌وساز، حفاظت از محیط زیست، بهداشت عمومی و برنامه‌ریزی شهری وضع شده‌اند اما اجرا و جلوگیری از نقض این مقررات چالش بزرگی را برای مقامات عمومی ایجاد کرده است. ظهور شهرها و تنوع و تخصص ناشی از آن و تقاضا برای استفاده از روش‌های افزایش‌دهی کیفیت زیست، فرصت‌های زیادی برای وقوع دسته‌ای از رفتارها را فراهم نموده که هنجارها و مقررات حاکم بر شهر را به چالش کشانده است. عواملی همانند مهاجرت و تنوع فرهنگی، فقر و فاصله طبقاتی، چالش‌های ناشی از این رفتارهای غیر مجاز، از شهرسازی گرفته تا محیط زیستی و کسب و کار را تشدید نیز نموده است. این رفتارهای غیر مجاز در بیشتر موارد نقض مقررات ناظر بر تأمین نظم شهری و مقررات جلوگیری از وقوع رفتارهایی همانند سدمعبر، تخلفات راهنمایی و رانندگی، مزاحمت شهری و تخلفات ایمنی بوده و با عنوان تخلفات شهری از آن‌ها یاد می‌گردد.

در بسیاری از این موارد وقوع این رفتارها نتیجه فقدان آگاهی شهروندان از نحوه‌ی زیست در شهر و نوعی تلاش برای تطابق با محیط و شرائط جدید بوده و در مواردی نیز نوعی سبک زندگی و فقط راهکار زنده ماندن ایشان در شهر می‌باشد لذا عاقلانه و منصفانه است که در مداخلات، اعم از پسینی و پیشینی، ابتدا این مورد مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر ویژگی‌هایی همانند پرسامدی و تکرارپذیری بالای این رفتارها، از بین بردن امکان انتفاع از مواهب شهری و در نهایت تخریب کارکردهای شهر را در پی داشته است لذا ضروری می‌نماید تا سیاست‌ها و روش‌ها به گونه‌ای طراحی گردند که هر دو نگرانی را در بر بگیرد. با این حال، اقدامات پیشگیرانه فعلی غالباً بر شاخص‌های کمی مبتنی است تا بر ارزیابی‌های کیفی. این امر نیاز به رویکردی جامع پیشگیری از تخلفات فراتر از معیارهای کمی می‌باشد.

در حالی که یک برنامه جامع پیشگیری از تخلفات شهری اصولاً باید ظرفیت افزایش کیفیت زیست شهروندان و کاهش وقوع به همراه افزایش اعتماد شهروندان را داشته باشد

اما بررسی اولیه‌ی نتایج مؤید آن است که تسری سیاست‌های پیشگیرانه مورد استفاده در جرائم به مداخله‌ی پیشینی در تخلفات شهری به واسطه‌ی غلبه‌ی دیدگاه‌های امنیتی، در مواردی نتایج معکوس، ناعادلانه و غیرعقلانی به جا گذارده است. عمده برنامه‌های پیشگیرانه که امروزه در شهرها در حال اجراست، بر محور اولویت داشتن تأمین امنیت شهری و کنترل فضاها‌ی عمومی طراحی شده‌اند که شاید در اولین منظر فضایی آرام و امن را جلوه نماید اما در باطن مکان‌هایی شبیه پادگان را تداعی می‌نمایند که با روح مدیریت شهر که بر رونق و حضور استوار است در تعارض است. به نظر تخلفات شهری می‌بایست در بستری متفاوت از جرائم مورد پیشگیری قرار گیرد. قانون‌گذار در مواد مختلفی وظیفه‌ی شهرداری در جلوگیری از وقوع مصادیقی از تخلفات شهری را بیان نموده است^۱ اما همانند دیگر مواد این قانون از تعریف این عبارت خودداری نموده و آن را تفسیربردار و موسع رها نموده است لذا مراجعه به قانون نیز نمی‌تواند ما را به الگوی روشنی نمی‌رساند و باعث گردیده تا در اجرا بر استفاده از روش‌های معمول در پیشگیری از جرم و تدابیر جرم‌محور مؤانس با دیدگاه‌های امنیت‌مدار و در بهترین حالت به روش‌های پیشگیری مبتنی بر روش‌های فیزیکی و موقعیت‌مدار، تفسیر و اجرا گردد.^۲

بسیاری از این افعال ناقض قواعد و مقررات شهری هستند که ضرورتاً در مجلس شورای اسلامی مصوب نگردیده‌اند و از طریق آیین‌نامه‌های اجرایی و مصوبات شوراهای اسلامی شهرها تقنین شده‌اند. این مهم در کنار این واقعیت که این افعال از دید سیستم‌های حقوقی نقض‌های خرد و «بی‌اهمیت» دانسته می‌شوند و در غالب موارد فقط نظم‌های صنفی و مقررات فنی همانند ایمنی و بهداشت را نقض می‌نمایند، ضرورت طراحی

۱. علی‌الغرض مثال در ماده‌ی ۱۰۰ برای جلوگیری از تخلفات شهرسازی در بند ۲۰ ماده‌ی ۵۵ برای جلوگیری از احداث مشاغل و اماکن مزاحم و آلاینده و در تبصره‌ی ذیل بند ۱ ماده‌ی ۵۵ به جلوگیری از وقوع تخلف سد معبر در بند ۱۴ ماده‌ی ۵۵ قانون شهرداری‌ها در مورد پیشگیری از تخلفات ایمنی و خطر و در تبصره‌ی ۴ از بند ۲ همان ماده در مورد جلوگیری از تکدی‌گری اشاره دارد.

۲. به گونه‌ای که این عبارت در تخلفات شهرسازی به تخریب پی ساختمان در مشاغل مزاحم به پلمپ واحد تجاری، در مورد تخلفات ایمنی به اخذ و تشدید عوارض و در مورد تکدی‌گری به جمع‌آوری متکذیان تعبیر گردیده است.

سیاست‌های محلی برای پیشگیری را یادآور می‌گردد. در مواردی هم این افعال در فضاهای عمومی روی نداده و در فضاهایی مانند: فضاهای مشاع و اشتراکی آپارتمان‌ها و یا فضاهای اختصاصی همانند: تولید و انباشت زباله در مکان خصوصی و یا راه‌اندازی شغل دارای مزاحمت در منزل مسکونی را در بر می‌گیرد که به کارگیری رویکردهای حاضر مبتنی بر کنترل فضای عمومی توان حل آنها را ندارد.

بررسی محقق مؤید آن است که در این خصوص مطالعه‌ای علمی انجام نیافته و متأسفانه علمای حقوق کیفری پرداختن به این مفهوم را در تراز خود نمی‌بینند اما به هر صورت این دیدگاه تأثیر بر واقعیت روبه‌رشد این مفهوم نمی‌گذارد. پرسش اصلی این مقاله این است که آیا اصولاً پیشگیری از تخلفات شهری نیازمند طراحی سیاست‌ها و اقدامات منحصر به خود می‌باشد؟ و آیا نتیجه اقداماتی که هم اکنون به عنوان پیشگیرانه در تخلفات شهری اجرا می‌گردد، با ماهیت شهرها و شهرنشینی همخوانی دارد؟ و الگوی اجرایی پیشگیرانه متناسب با ماهیت تخلفات شهری چه مشخصاتی دارد؟ روش حاکم بر این مقاله توصیفی تحلیلی بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای است و در آن اسناد، فرایندها، مقررات موجود و آمارهای ارائه شده در حوزه‌ی پیشگیری در مدیریت شهری ایران بررسی و مطالعه و تحلیل گردید و مطالعه موردی برخی از تخلفات شهری از طریق مذاقه بر فرآیندهای فعلی مداخله‌ی پیشینی در آنها انجام پذیرفت. به نظر الگوی پیشگیری از تخلفات شهری نیازمند رویکردی چند وجهی است که چارچوب‌های قانونی، راهبردهای پیشگیرانه، راه‌حل‌های فناورانه و مکانیسم‌های اجرایی مؤثر را ترکیب کند. این مقاله معتقد است یک الگوی اجرایی مناسب اهمیت مکانیسم‌های نظارتی قوی، اقدامات پیشگیرانه جامع و راه‌حل‌های نوآورانه را در دستیابی به این هدف را باید در بر داشته باشد.

۱. ارزیابی رویکرد فعلی پیشگیری از تخلفات شهری

عدم وجود هرگونه برنامه مدون پیشگیری از تخلفات شهری در فضای حقوقی اجرایی کشور، امکان ارزیابی علمی اثربخشی و کارآمدی فرآیند فعلی را غیر ممکن می‌نماید اما در صورتی که پیشگیری را کلیه‌ی اقداماتی که به منظور کاهش جرم و احساس ناامنی شهروندان از نظر کمی و کیفی، چه از طریق بازدارندگی مستقیم فعالیت‌های مجرمانه و

چه از طریق سیاست‌ها و اقداماتی که برای کاهش احتمال وقوع طراحی شده‌اند، بدانیم (European Union, 2009: 45) مستند به مشاهدات می‌توان گفت در حال حاضر محیط شهری به میزان بیشتری از گذشته از وقوع این رفتارها متأثر گردیده است که بیانگر عدم موفقیت این فرایندها می‌باشد. به نظر دلایل متعددی بر این امر مؤثر بوده است؛ یکی از دلایل، بهره بردن از فرایندهای مشترک با جرائم است. برخورداری هردو عنوان از جنبه‌ی عمومی و امکان دسته‌بندی تخلفات در ذیل سرفصل جرائم این تصور را به وجود آورد که سازوکارهای پیشگیری از جرائم می‌تواند در تخلفات نیز کارایی داشته باشد اما برخورداری از میزان بیشتری از جنبه‌ی عمومی و ظرفیت متأثرسازی امنیت توسط جرائم باعث گردیده دیدگاه‌های امنیتی در طراحی‌های پیشگیرانه توجه گردد. تسلط گفتمان قدرت و امنیت به نوبه‌ی خود امکان مشارکت شهروندان در فرایندها را کاهش می‌دهد اما تخلفات شهری در بسیاری از موارد دارای جنبه‌ی تخصصی و فنی بوده لذا پیشگیری از آن مستلزم حضور هرچه بیشتر مشارکت ذی‌نفعان است. بررسی پاسخ‌ها در قوانین موجود برای تخلفات شهری نیز مؤید این نتیجه است که قانون‌گذار ارتکاب تخلف شهری را لزوماً مستوجب مجازات نمی‌دانسته است، به عنوان قانون‌گذار پاسخ مزاحمت شهری را «جابه‌جایی» و «پلمپ» را که نوعی پاسخ اداری است، نتیجه‌ی عدم رعایت مقررات شهری می‌دانسته است.^۱ بر خلاف بسیاری از جرائم، در تخلفات شهری، عدم تداوم عمل و ممانعت از ورود ضرر بیشتر به محیط شهری فی‌نفسه دارای ارزش است و نه مجازات برای متوقف نمودن عمل. به عنوان نمونه توقف فعالیت مرکز آلوده کننده هوا فی‌نفسه دارای ارزش است تا مجازات نمودن مالک آن.

فرایندهای مشترک با جرائم است. برخورداری هردو عنوان از جنبه‌ی عمومی و امکان دسته‌بندی تخلفات در ذیل سرفصل جرائم این تصور را به وجود آورد که سازوکارهای پیشگیری از جرائم می‌تواند در تخلفات نیز کارایی داشته باشد اما برخورداری از میزان بیشتری از جنبه‌ی عمومی و ظرفیت متأثرسازی امنیت توسط جرائم باعث گردیده دیدگاه‌های امنیتی در طراحی‌های پیشگیرانه توجه گردد. تسلط گفتمان قدرت و امنیت

۱. بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها

به نوبه‌ی خود امکان مشارکت شهروندان در فرآیندها را کاهش می‌دهد اما تخلفات شهری در بسیاری از موارد دارای جنبه‌ی تخصصی و فنی بوده لذا پیشگیری از آن مستلزم حضور هرچه بیشتر مشارکت ذی‌نفعان است. بررسی پاسخ‌ها در قوانین موجود برای تخلفات شهری نیز مؤید این نتیجه است که قانون‌گذار ارتکاب تخلف شهری را لزوماً مستوجب مجازات نمی‌دانسته است، به عنوان قانون‌گذار پاسخ مزاحمت شهری را «جابه‌جایی» و «پلمپ» را که نوعی پاسخ اداری است، نتیجه‌ی عدم رعایت مقررات شهری می‌دانسته است.^۱ بر خلاف بسیاری از جرائم، در تخلفات شهری، عدم تداوم عمل و ممانعت از ورود ضرر بیشتر به محیط شهری فی‌نفسه دارای ارزش است و نه مجازات برای متوقف نمودن عمل. به عنوان نمونه توقف فعالیت مرکز آلوده کننده هوا فی‌نفسه دارای ارزش است تا مجازات نمودن مالک آن.

شواهد عملی گویای آن است که عمده اقداماتی که هم اکنون تحت عنوان پیشگیری از تخلفات شهری روی می‌دهد بر رویکرد موقعیت مدار^۲ استوار است و استفاده از روش‌ها، ابزار و فناوری‌های جدید همانند دوربین‌های مدار بسته^۳، استفاده از نگهبانان^۴ و پهپادها^۵ در تخلفات ترافیکی برای پایش فوری وقوع تخلفات و ساخت وسازها و تغییرات در حومه‌ی شهرها از رشد چشمگیری برخوردار گردیده است. (Adeyemi, Ikuesan, 2020: 3) به نظر توسعه‌ی این‌گونه اقدامات به دلیل عدم درک دقیق از علل واقعی وقوع و بر ساخت اجتماعی تخلفات شهری می‌باشد. علی‌رغم ظرفیت این ابزار در پیش‌بینی فوری نتایج و امکان ارائه‌ی آمار عملکرد که باعث مطلوبیت این روش در بین مدیران و کنترل‌کنندگان گردیده است اما بهره‌مندی از این روش توسعه‌ی احساس ترس از وقوع در شهروندان را به دنبال خود خواهد داشت. کارکرد محیط‌های عمومی شهری، همانند پارک‌ها، مترو، ایستگاه‌ها و... با حضور شهروندان معنا پیدا می‌کند و تحقق آن نیازمند فراهم بودن محیطی آرام است اما اجرای سیاست پیشگیری مبتنی بر استفاده از روش‌های

۱. بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها

2. Situational prevention

3. Closed-Circuit Television

4. Security Guard

5. Unmanned Aerial Vehicle

موقعیت مدار در این محیط‌ها نافی هدف ایجاد این محیط‌هاست؛ تصور پارک‌ها و معابر شهری که پوشیده از تظاهرات امنیتی و دوربین‌های تصویری می‌باشند، رغبت شهروندان برای انتفاع از محیط‌هایی را که با صرف هزینه‌های سنگین برای ایشان ساخته شده است کم می‌نماید. اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از این دست بیشتر فضا را غیر شهری می‌نماید و تأثیر کمی بر پیشگیری از وقوع تخلفات شهری دارد. تصور پارکی که نگهبانان آن، سوت در دهان مداوم افراد را کنترل کرده و یا شهروندان را متوجه تصویربرداری از ایشان و حرکات ایشان می‌نماید، مانع ایجاد آرامش منظور شهروندان از مراجعه به پارک‌ها می‌باشد. این تصویر از اداره محیط‌های عمومی، اداره نظامی‌وار و پادگانی محیط‌های شهری^۱ را به دنبال خود دارد.

این گونه اقدامات ظرفیت بالائی در سوگیری فرهنگی و سیاسی^۲ دارد؛ به عنوان نمونه هدف از اختصاصی سازی فضاهای شهری، همانند ایجاد پارکهای بانوان در قسمتی از پارکهای شهری، پیشگیری از تخلفات احتمالی و احساس آرامش ایشان عنوان می‌گردد اما صرفنظر از فقدان داده‌ای علمی موید این تأثیر، درموردی در اجرا نتایج معکوسی نیز بدست آمده است؛ بطورکلی تجمع بانوان در قسمت اختصاصی به معنای پذیرش وقوع تخلفات در سایر قسمتهای عمومی توسط مردان بوده و باعث افزایش وقوع آن‌ها می‌گردد علاوه بر این در بسیاری موارد عدم رعایت استانداردهای احداث این مراکز، همانند عدم اشراف منازل مجاور بر این فضاها یا عدم سهولت دسترسی این فضاها برای تعداد معتناهی از زنان شهروند و در مواردی ورود عده‌ای از بانوان با تمایلات و شمایل مردانه، این احساس امنیت را زیر سؤال برده است.

روش‌های پیشگیری از تخلفات شهری با استفاده از طراحی محیطی و اصلاح محیط^۳، نیز اگرچه در ایجاد نمای دلپذیر شهری و افزایش روحیه شهروندان تاثیرگذار بوده و در مواردی همانند اصلاح معابر حادثه خیز، دارای تاثیرمقطعی نیز بوده است، اما نتوانسته

1. Military urbanism

2. Cultural and political bias

3. Environmental design and crime prevention

فرهنگ پیشگیری از تخلف در شهروندان را نهادینه کند. به عنوان نمونه، اصلاح هندسی معابر و شریان ها هم اکنون مورد استفاده است و در مواردی برای محدود کردن تردد شهروندان از مسیرهای ترافیکی پیاده و سواره، نسبت به نصب ابزارودیوارهای آهنی اقدام می گردد که تداعی پادگان از شهر را برای شهروندان ایجاد می نماید. این روشها علیرغم هزینه بر بودن، نتوانسته همراهی شهروندان را به خود جلب نماید؛ چه بسیار مبلمان شهری و پارکی که در کنار این تمهیدات تخریب شده و چه بسیار اموال شهری که در این فضاها مورد سرقت قرار گرفته اند. روش پیشگیری از تخلفات با بکارگیری نرم افزارهای کنترلی و هوش مصنوعی نیز بیشتر در راستای کشف تخلفات و اعمال جریمه استفاده گردیده و داده های تولید شده به دلیل ضعف فرآوری^۱ منجر به اتخاذ سیاست پیشگیرانه نمی گردد. به تصویر کشیدن صرف پیچیدگی و پویایی تخلفات شهری برای پیشگیری ناکافی است برای این امر نیازمند چیزی فراتر از سخت افزار و نرم افزار است. تکیه بر استفاده از این داده ها برای تأمین مالی دولت و شهرداریها و درج موضوع اعمال جریمه های ترافیکی در ذیل مقررات مالی دولت^۲ بر این مشکل افزوده است.

به نظر از دلایل دیگر عدم موفقیت برنامه های پیشگیرانه در تخلفات شهری، بی توجهی به نقش مدیریت شهری و قانون گذاری محلی باشد. اقدامات شهرداری ها، توانایی منحصر به فرد و غیر قابل انکاری در پیشگیری از تمامی جرائم، و به طریق اولی تخلفات شهری دارد و آمارها گویای ارتباط قوی میان پیشگیری از وقوع افعال ممنوعه با رضایت مندی شهروندان، پاسخ گویی مدیریت شهری و رعایت آداب و رسوم شهروندان است (حبیبی داوود، ۱۴۰۱: ۴۳). بسیاری از این افعال یا ناقض مقررات مدیریت شهری برای اداره ی شهر هستند و یا منافع مدیریت شهری به عنوان نماینده شهر را متأثر می نمایند و یا حداقل اینکه در جریان فعالیتی از شهر روی داده است که مدیریت شهری وظیفه ی تسنیق و اداره ی آن فعالیت را برعهده دارد لذا اقدامات روی داده نمی تواند اثربخش و کارا باشد. علاوه بر سایر نهادهای سیاست گذار، خود مدیریت شهری نیز رفته رفته اعتقاد به وظیفه مندی در حوزه ی

1. Data mining

۲. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و مصرف آن در موارد معین ۱۳۸۰

پیشگیری را از یاد برده اند. شاید از عمده دلایل آن، کثرت وظایف عمرانی محوله به مدیریت شهری باشد که این حس را در آن‌ها ایجاد نموده که مداخله‌گری (اعم از زود هنگام و دیررس) در تخلفات شهری جزء تخصص و وظایف ایشان نیست و در عمل ایجاد پیشگیری از طریق ارباب ناشی از مجازات توسط مقامات قضائی را بر سایر پیشگیری‌هایی که نیازمند برنامه‌ریزی و صبر و حوصله است ترجیح دهند.

۲. ویژگی‌های الگوی بایسته‌ی پیشگیری از تخلفات شهری

تخلفات شهری دارای ویژگی‌های منحصر بفردی از جمله برخورداری از بر ساخت اجتماعی^۱، بسترهای متنوع وقوع، تکرارپذیری بالا، فقدان نیاز به احراز عنصر معنوی برای مداخله در آن، ارتباط گسترده با زیست شهروندان، بویژه تهیدستان شهر، است که آن را از دیگر مفاهیم متمایز می‌گرداند. (سروی، ۱۴۰۳) طبیعتاً الگوی پیشگیرانه تخلفات شهری نیز می‌بایست برخورداری از عناصری باشد که پوشش دهنده این ویژگی‌ها باشد لذا راهکارهای تک ساحتی نمی‌تواند در پیشگیری از آن مفید باشد. به عنوان نمونه، سدمعبر تنها یک عمل حقوقی ناقض مقررات توسط شهروندان نیست بلکه نوعی روش زیست و آخرین چاره یک شهروند برای زندگی بوده که دارای ابعاد متلف اجتماعی و فرهنگی است لذا پیشگیری از آن نیز نیازمند الگوئی چندمرحله‌ای و چند بعدی و زمینه محور می‌باشد. علاوه بر این در وضعیت فعلی شهرها و میزان حاشیه نشینی در آن‌ها که باعث تنوع بالای قومیتی گردیده و در مواردی تا ۶۰ درصد از ترکیب جمعیتی یک محله از اتباع سایر کشورها می‌باشند، الگوئی موفق خواهد بود که انسجام شهری را تقویت و از چندپاره گی اجتماعی در شهرها جلوگیری نماید. الگوی پیشگیرانه در تخلفات شهری می‌بایست مجموعه‌ای متشکل از برنامه‌های پیوسته و پویا^۲ با ماهیت و کارکردی اجتماعی و توسعه دهنده یکپارچگی در شهروبرخورداری از ظرفیت تقویت کننده عدالت شهری باشد که بطور متقابل یکدیگر را تقویت نمایند... واقعیت آن است که ماهیت شهروندی تخلفات شهری قوی و تأثیر آن بر کیفیت زیست روزانه شهروندان بسیار شگرف است؛ لذا ارتباط مستقیمی با

1. Social Construction
2. Dynamic

رعایت حقوق شهروندی دارد و از آنجایی که تعریف شهروندی با مفاهیمی همانند کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند دارد، (میرزائیان و همکار، ۱۳۹۷: ۲۵)، لذا برنامه پیشگیری نیز می‌بایست بر شمول اجتماعی^۱ استوار شود.

الگوی بایسته پیشگیری از تخلفات شهری می‌بایست متضمن راهکارهایی برای تسهیل اجرای داوطلبانه مقررات^۲ و خودتنظیمی^۳ باشد. این دو مفهوم نیز خود متضمن افزایش اعتماد شهروندان به مقامات عمومی و مشروع قلمداد نمودن مقررات می‌باشد. در واقع شهروندان هنگامی که سیاست‌ها و طراحی‌ها را مشروع بدانند تخطی از آن را بر خود ممنوع می‌گردانند اما در حال حاضر ۴۸ درصد از شهروندان جامعه هدف، خود را بی‌اعتماد به سیاست‌ها در فرآیندهای مداخله در تخلفات شهری دانسته‌اند. (نیک‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱) این کاهش سرمایه‌ی اجتماعی موجب بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی در جامعه می‌شود و هنگامی که افراد در جامعه احساس انومی کنند و اعتماد کاهش یابد، حس مشارکت‌پذیری اجتماعی در افراد کاهش یافته و طبعاً در این وضعیت افراد تمایلی به رعایت هنجارها و نظم اجتماعی ندارند.

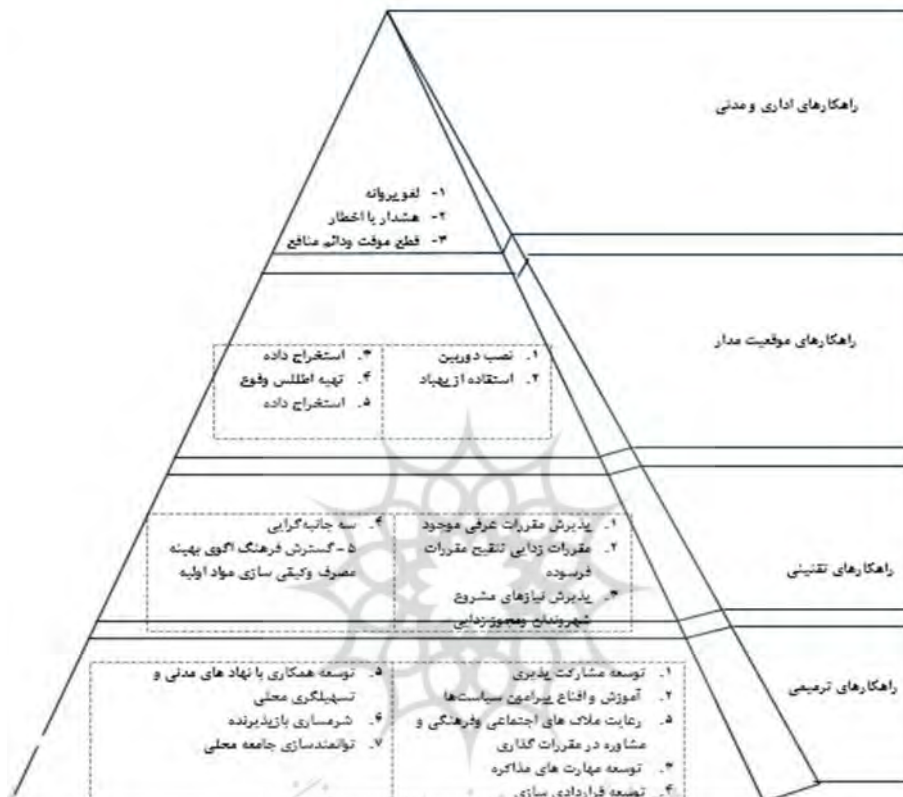
تخلفات شهری بسیار پربسامد بوده و در وقوع برخی آن‌ها انگیزه‌های سودجویی و منفعت‌طلبی قوی وجود دارد که به بهانه‌ی کاهش قبض وقوع زمینه را برای تئوریزه کردن مشروعیت اقدامات متخلفانه با استفاده از معاذیری چون توجیه اخلاقی^۴، برچسب زدن خوشایند^۵، مقایسه‌ی سودمند^۶، جابه‌جایی مسئولیت^۷، انتشار مسئولیت^۸، پیامدهای تحریف‌کننده^۹، نسبت دادن سرزنش^{۱۰}، و غیر انسانی کردن^{۱۱} را توسط شهروندان متخلف مستعد می‌گرداند؛ لذا الگوی پیشنهادی می‌بایست برخوردار از ظرفیت مواجه نمودن

1. Social Inclusion
2. Motivational Postures
3. Self-regulation
4. Moral Justification
5. Euphemistic Labeling
6. Advantageous Comparison
7. Displacement of Responsibility
8. Diffusion of Responsibility
9. Distorting Consequences
10. Attribution of Blame
11. Dehumanization

شهروند با نتایج فعل خود باشد تا از این رهگذر با شرمسار کردن باطنی وی و در نتیجه بازپذیرندگی با باور قلبی نسبت به پیشگیری از تخلفات شهری اقدام کند.

از جانب دیگر الگوی پیشنهادی می‌بایست متضمن حضور تمامی عناصر مؤثر بر وقوع یک تخلف شهری باشد در غیر این صورت اصرار و تأکید بر صرف نقش مدیریت شهری، موفقیت اقدامات را به دنبال نخواهد داشت. در بسیاری از موارد تمامی فرآیند مداخله در اختیار و تحت کنترل مدیریت شهری نیست که توان اجرای مؤثر آن را داشته باشد اما شهروندان مدیریت شهری را مسئول می‌دانند. به عنوان نمونه در شهر مشهد بیش از ۴۳ درصد از املاک و اراضی شهری موقوفه‌ی حضرت رضا (ع) بوده و بیش از ۳۰ هزار ملک در مشهد به روش اجاره در تملک آستان قدس رضوی می‌باشد و مهم‌ترین تصمیم‌گیران در حوزه‌ی کاهش و کنترل تخلفات شهری یعنی استاندار، شهردار، رئیس کل دادگستری استان و تولیت آستان قدس رضوی از ۴ منبع مختلف پرنفوذ منصوب می‌گردند. (سروی جعفر، ۱۴۰۲: ۱۷) بسیاری از زمین‌های رهاشده، موصوف به وضعیت خطری در مالکیت آستان قدس رضوی می‌باشد که عملاً ورود مدیریت شهری برای سیاست‌گذاری برای آن‌ها عملاً غیر منطقی می‌نماید. هنگامی که سیاست کلی کشور بر توسعه بی‌حد رشته‌ی مهندسی باعث تربیت نیروهای گردیده که در مواردی تخصص لازم برای برای جلوگیری از وقوع تخلفات شهرسازی را به خوبی فرا نمی‌گیرند و در مواردی از میزان تعهد مهندسان قبلی برای رعایت مقررات نیز برخوردار نیستند علی‌رغم تأثیر قطعی بر وقوع تخلفات شهری اما شهرداری‌ها هیچ‌گونه دخالتی در آن ندارند.

۳. ارائه و تشریح پیشنهادی پیشگیری از تخلفات شهری



الگوی پیشنهادی پیشگیری از تخلفات شهری

اگرچه به دلیل تنوع زمینه‌ای وقوع و نیز حجم بالای انواع تخلفات شهری، ارائه‌ی یک الگوی قابل اعمال در تمامی آن‌ها بسیار سخت می‌نماید اما با لحاظ کلیت ویژگی‌های تخلفات شهری می‌توان به الگویی با حداقل‌های قابل اعمال بر تمامی تخلفات شهری رسید. این الگو مرحله‌ای بوده و موفقیت مرحله‌ی بعدی منوط به اتمام با موفقیت مرحله‌ی قبل می‌باشد. در لایه‌ی اول هر گونه اقدام پیشگیرانه می‌بایست با رویکرد عدالت ترمیمی

شروع گردد. عدالت ترمیمی^۱ و رویه‌های آن که در محدوده کنترل اجتماعی غیر رسمی^۲ قرار می‌گیرد، تناسب بیشتری با ماهیت تخلفات شهری دارد چرا که هدف مدیریت شهری در حفظ و صیانت از فضای شهری با بهره‌مندی از رویه‌های ترمیمی بهتر محقق می‌گردد. رویه‌های ترمیمی به دلیل برخورداری از عنصر مشارکت و نیز امکان بیشتر تحقق نیازهای مشروع شهروندان، استفاده کمتر از اجبار و تحمل هزینه‌های اجتماعی کمتر به شخص و اجتماع و توجه بیشتر به حلّ منطقی مسئله و جبران خسارت رویکردی مناسب برای پیشگیری از این‌گونه نقض‌هاست. (سروی، ۱۴۰۳: ۱۸) اگرچه عده‌ای پیشگیری از وقوع و یا تکرار را از نتایج اصلی پیاده‌سازی عدالت ترمیمی ندانسته و بیشتر آن را جزء نتایج غیر مستقیم آن می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را از اقدامات پیشگیرانه سطح سوم و مفید برای پیشگیری از تکرار وقوع دانسته تا پیشگیری اولیه از وقوع اما علمای متأخر عدالت ترمیمی، پیشگیری را از برنامه‌های اصلی (24: 1998: j.brathwatith) و مداخله‌ی زود هنگام را از اصول عدالت ترمیمی می‌دانند (Fiftal Alarid Leanne and others, 2012: 491) اما بر این نکته اتفاق نظر وجود دارد که پیشگیری با رویکرد عدالت ترمیمی می‌تواند مداخله‌ای به هنگام را از طریق ترویج حس مسئولیت‌پذیری، شخصی و سازمانی و نیز تمرکز بر بهبود رابطه‌ی شخص با جامعه و ترمیم خسارت وارده به جامعه ممانعت به عمل آورد.

از مهمترین رویه‌های ترمیمی، بهره‌مندی از عناصر محلی است. اگرچه در نتیجه توسعه‌ی شهری در دهه‌های اخیر، مناطقی از شهر نهادهای قوی اجتماعی و محلی خود را از دست داده‌اند اما طراحی سیاست‌های پیشگیرانه در محلات برخوردار از این مزیت و به رسمیت شناختن عناصر تأثیرگذار محلی با سابقه و خوشنامی و برخورداری از فنون مذاکره و ارائه‌ی آموزش‌های لازم پیرامون تخلفات شهری در پیشگیری بسیار سودمند است. این عناصر به دلیل شناخت کامل از محله و اولویت‌های آن و برخورداری از منطق مورد پذیرش ساکنین آن، توان تفسیر الزامات منظور مدیریت شهری در پیشگیری از تخلفات به منطق افراد ساکن در محلات و الحاق زمینه‌های وقوع را داشته و در صورت آموزش کامل توان

1. Restorative justice

2. Informal social control

بسیج ساکنین محله را برای پیشگیری از تخلفات را به خوبی دارند. در مناطق شهری که از این مزیت برخوردار نیستند، طراحی سیاست‌های پیشگیری از تخلفات شهری اجتماع‌محور می‌بایست با تکیه بر عناصر شهری و جامعه‌ی محلی خاص طراحی گردد. بر فرض مثال از مهم‌ترین عناصر پیشرفت شهری که خود باعث ایجاد حجم بالایی از تخلفات شهری گردیده آپارتمان‌نشینی است. با توجه به اینکه تنوع بالایی در شرائط آپارتمان‌ها و فرهنگ ایشان حاکم است این واحدهای شهری متأسفانه مولد تعداد بالایی از تخلفات شهری همانند پراکنش زباله، آلودگی‌های صوتی مزاحمت هستند که در بسیاری از موارد موجد جرائم و تخلفات گسترده‌تری می‌گردند. در این زمینه‌ها استفاده از ماهیت قانونی هیأت مدیره‌ی ساختمان که خود نوع ناقصی از جامعه‌ی محلی است و تأکید بر نقش این هیأت مدیره‌ها در ایجاد ارتباط با مدیریت شهری و یکسان‌سازی ارتباط بین این دو نهاد در کنار آموزش آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از تخلفات ایفا نماید. منطقی است که بپذیریم راه حل پیشگیری از تخلفات شهری در کسبه لزوماً با روش مورد استفاده در خصوص مساجد می‌باید از فرآیندی متفاوت تبعیت نماید. در مورد کسبه و صنوف استفاده از سیاست‌های مبتنی بر به رسمیت شناختن جامعه‌ی محلی خاص متشکل از افراد تأثیرگذار در یک صنف، اجرای یک سیاست پیشگیرانه را به راحتی جامعه‌ی عمل می‌پوشانند اما در خصوص مساجد بنظر هنگامی که امام جماعت محله از شهروندان بخواهد تا زباله‌های تفکیکی خود را به هنگام مراجعه برای اقامه‌ی نماز به همراه خود آورده تا منابع حاصله از فروش آن صرف فقرای محله گردد در عمل وقوع تخلفات ناشی در محله به شدت کاهش خواهد نمود.

به نظر نتایج اقدامات مبتنی بر شرم و شرمندگی بازپذیرنده در شهروندان در پیشگیری از وقوع یا تکرار تخلفات تأثیر به‌سزایی داشته باشد اما میزان و نحوه‌ی این شرم‌منده‌سازی نیز بسیار تأثیرگذار است. برخی جرم‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که شواهد محکمی وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی این است که شرم در کنترل جرم توانایی کافی را دارد (Braithwaite John, 2018:17). و رویکرد عدالت ترمیمی با طرح نظریه‌ی شرم‌ساری^۱

1. Integrative shaming

بازپذیرنده معتقد است که این مفهوم به معنای عدم تأیید اجتماعی باعث پیشگیری اجتماعی از جرم خواهد شد. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۸: ۱۵۲) اما آیا با توجه به ماهیت و دلیل وقوع تخلفات این شرمساری در تخلفات امکان وقوع و کارآمدی دارد؟ شاید اصولاً نتوان به تأثیر شرم در این گونه تخلفات که دارای قبح ذاتی نیستند حکم کرد چرا که فرض اساسی این است که شرم به نوعی پاسخی بر فشارهای اجتماعی بیرونی افراد و محدودکننده توصیف گردد به طوری که فرد در نتیجه‌ی تصمیم دیگران برای منع فعل وی، احساس شرمندگی می‌کند. اگر دیگران در مواجهه با اعمال مشابه زد نکنند هیچ شرمی احساس نمی‌شود. (dorhas, 2017: 65) شهروندان ناظر نیز حتی تحت تأثیر نحوه‌ی عملکرد مأموران مداخله و روش اجرای آن نه تنها وی را مستحق شرمندگی نمی‌دانند بلکه باعث نوعی شرمندگی غیر سازنده شده که ایشان را در مسیر عدم همراهی و متابعت قرار می‌دهد و شهروندان ناظر را مجاب می‌کند تا ایشان را شماتت نکرده و چه بسا در مواردی ابراز همدلی کرده و تشجیع نیز می‌نمایند. لذا در عالم واقع اما باید به این سؤال پاسخ داد که چگونه می‌توان فردی را که برای معیشت خود دست به ارتکاب تخلفات شهری می‌زند، شرمده کرد؟ آیا متخلفینی را که با جمع‌آوری پسماندها از سطح شهر به حیات خود ادامه می‌دهند می‌توان با ارائه‌ی توضیحات در مورد هزینه‌های دوباره‌کاری مدیریت شهری یا هزینه‌های درمانی سایر شهروندان ناشی از این عمل شرمده کرد؟ آیا قوانین ما به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوان یک شهروند را با التزام به آن مفتخر کرد؟ تعهد فرهنگی است که می‌توان متخلف و مجرم را وادار به شرمساری بازپذیرنده نمود. این مهم در صورتی شدنی است که تنظیم‌شوندگان بدانند؛ تنظیم‌کنندگان بر اساس حکمت و مصلحت ایشان و جامعه بر کنترل تخلفات شهری اصرار می‌ورزند و اینکه تعهد به احترام به عدم تکرار تخلفات شهری در نهایت باعث وجود جامعه‌ای مناسب‌تر برای زندگی ایشان خواهد بود. شاید تهیه و پخش فیلم‌هایی که نشان‌دهنده‌ی میزان خطری که از ناحیه‌ی وقوع تخلفات شهری دامنگیر ایشان می‌گردد، در ایجاد این تعهد فرهنگی و در نهایت پیشگیری مؤثر باشد. استفاده از روش‌های قراردادی و پیش‌مذاکره به دلیل برخورداری از زبان رایج و امکان بروز اراده‌ی آزاد شهروندان، از مؤثرترین روش‌های پیشگیری است. بر فرض برای پیشگیری از

تخلّف سدّ معبر میوه فروش‌هایی که در زمان پیاده نمودن محصولات از خودروهای حامل و انتقال به درون مغازه مرتکب آن می‌گردند و یا صنوف فروش خودرو که در زمان پیاده کردن خودروهای تحویلی باعث ازدحام و سد معبر می‌گردند، تعیین زمان انجام این عمل برابر مذاکره بین مدیریت شهری و کسبه منظور و یا تعیین زمان انجام فعالیت در ساعت‌های خاص مورد توافق بتواند در پیشگیری خودخواسته از تخلفات تأثیرگذار باشد. مؤثرترین روش، خودتنظیمی و خودپلیسی^۱ و بهترین روش آن از طریق عقد قرارداد و تربیت شهروند «خودنظارتگر»^۲ است. در این رویکرد، قرارداد استعاره‌ای از تکنیک «خودتنظیمی» است (crawford, 2003: 498) گفته شده در خصوص بی‌نظمی و رفتارهای ضدا اجتماعی بهترین روش حرکت به سمت قراردادی نمودن تنظیم‌گری‌ها و کنترل‌ها از طریق انعقاد قراردادهای مختلف با شهروندان در قالب صنوف و کسوت‌های مختلف و قراردادی نمودن حاکمیت شهری^۳ است. (crawford adam, 2009: 169) از مزایای اولیه قراردادی شدن این موضوع، ایجاد مسئولیت‌پذیری دوجانبه و قابلیت بررسی نقض تعهدات به صورت دوجانبه، فرصت دادن به شهروند به عنوان یک کنشگر فعال و دارای انتخاب در مرحله‌ی عقد قرارداد و افزایش متابعت از نظم به دلیل ابتناء بر رضایت است. قراردادی شدن کنترل تخلفات شهری این اجازه را به شهروند می‌دهد تا از عدم اطمینان آینده و پیش‌بینی‌ناپذیری آن با میزانی از اختیار بگریزد و از میزانی از انعطاف در حصول نیازها و دغدغه‌هایش که در حین مذاکره حاصل می‌آید، متابعتش از مقررات افزایش دهد. علاوه بر این چون در عقد قرارداد شهروند می‌بایست به صورت فعال عمل کند لذا از انفعالی که فرآیندهای مداخله کیفری ایجاد می‌کنند پرهیز می‌گردد.

واقعیت این است که تخلفات شهری امروز به عنوان یک مسئله اجتماعی و شهری بروز پیدا نموده است. پذیرش این نکته مستلزم پذیرش راهکارهای حل مسئله برای حل آن است که ابتدایی‌ترین آن‌ها، پذیرش راهکارهای متنوع، منعطف و زمینه‌محور با هر مسئله. بررسی‌های اولیه گویای این نکته است که علل متنوعی باعث وقوع تخلفات شهری

1. Self-policing

2. Self-monitoring citizen

3. contractual governance

می‌گردد، بر فرض تخلفات ساختمانی در مواردی ناشی از انتفاع و زیاده‌خواهی شخصی و در موارد دیگر ناشی از فقر و نداری است لذا نمی‌توان پیشگیری از تخلفات ساختمانی را در یک نسخه‌ی واحد مثلاً جذابیت‌زدایی از تخلف، متمرکز کرد. در وهله‌ی اول تمایز سیاست‌ها می‌باید متناسب با هر دسته از تخلفات شهری به عنوان یک مسئله تعریف و راهکارهای حل مسئله پیشگیرانه برای آن طراحی کرد. به عنوان نمونه نگاه مسئله‌محور به سدّ معبر مستلزم این است که ابتدا علت وقوع تجزیه و تحلیل گردد و اطلاعات بیشتری در مورد متخلفان کسب گردد که بر فرض مثال «چرا آنها در آن محل گرد هم آمده‌اند؟» به هم پیوستگی شخص، مکان و رویدادهای به ظاهر نامرتبط نیاز به بررسی و مستندسازی دارد. سپس باید پاسخ‌هایی که ممکن است فراتر از شیوه‌های سنتی است پیگیری گردد. ارزیابی‌های دقیق پیرامون مداخله طراحی و اجرا گردد که پاسخ این سؤال که دقیقاً چه نوع مداخله‌ای کاراست؟ به دست آید. آیا این پروژه به دلیل اینکه ایده‌ی اشتباهی داشتند شکست خورد یا ایده‌ی خوبی داشتند اما نتوانستند آن را به درستی اجرا کنند؟ (Skogan & Frydl, 2004: 91)

با توجه به تأثیر آموزش شهروندان در پیشگیری از تخلفات شهری ارائه‌ی روش بهتر زیستن شهری و ترویج نوعی از سبک زیستن متناسب با شرایط شهر به شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مواردی علت وقوع تخلفات شهری، عدم دانستن چگونگی انجام یک فعل توسط شهروندان است. متأسفانه مداخله‌گران نتوانسته‌اند محتوای لازم برای مهارت‌آموزی زیست شهری و نحوه‌ی عملکرد در فضاهای شهری را برای سنین مختلف به ویژه جوانان فراهم نمایند. در بسیاری از موارد جوانان، مرتکبین تخلفات شهری در فضاهای عمومی شهر هستند و دلیل وقوع تخلف صرفاً عدم آموزش است. در این راستا توسعه‌ی فرهنگ صلح و مدارا و کنترل خشم در جامعه، تأثیر بالایی بر پیشگیری از آن دسته از تخلفات که دلیل وقوع آن عدم تحمل و صبر شهروندان همانند تخلفات ترافیکی می‌باشد دارد. علاوه بر شهروندان دست‌اندرکاران مداخله نیز می‌بایست از آموزش‌های لازم برای مداخله برخوردار گردند.

طراحی اقدامات پیشگیرانه از طریق مداخله در نحوه‌ی تولید مواد اولیه با اتخاذ تدابیر و اقداماتی همانند جلوگیری از تولید و استفاده از مواد غیر قابل بازیافت یا غیر کیفی می‌تواند در پیشگیری از وقوع تخلفات شهری بسیار تأثیرگذار است بر فرض مثال تکیه بر استفاده از عایق‌های صوتی در کاهش تخلف مزاحمت صوتی و یا الزام به ممنوعیت استفاده از لامپ‌هایی با نور غیر خیره‌کننده یا با میزان مشخصی از لوکس^۱ در تبلیغات محیطی توسعه فناوری کارواش‌های آب گرم در پیشگیری از مزاحمت‌های نوری و شغلی و آلودگی محیطی، تأکید و تشویق بر استفاده از مصالح برگشت‌پذیر در ساختمان‌ها و یا کیفی‌سازی مصالح به کار رفته در احداث ابنیه به گونه‌ای که عمر بالاتری را داشته و امکان تداوم بهره‌برداری با تعمیر داخلی و بدون تخریب وجود داشته باشد یا ترویج و تسهیل استفاده شهروندان از خودروها و موتورهای برقی از شیوه‌های این راهکار می‌باشد. ایراد عمده این روش‌ها فقدان صلاحیت مقررات‌گذاری مدیریت شهری برای الزام به این امر، عدم همراهی نهادهای متولی همانند سازمان ملی استاندارد و گمرک‌ها و احتمال عدم اقبال شهروندان فقیر به دلیل گرانتر بودن این مصالح و اقدامات در قیاس با موارد فاقد آن و در مواردی نبود فناوری در دسترس است. لذا به منظور تأثیرگذار بودن آن می‌بایست در وهله‌ی اول «الگوی مصرف بهینه» با مشارکت دستگاه‌های دیگر متولی تهیه و به عنوان یک سند ملی برای اجرا ابلاغ گردد. در مواردی برای ارزان‌سازی فناوری یا محصول بهینه می‌بایست مدیریت شهری، نوعی رفتارهای ترجیحی مانند اعطای یارانه و یا مشوق‌ها را در دستور کار قرار دهد. ارتباط مدیریت شهری با مراکزی که امکان ورود فناوری‌های نو را به شهرها دارند و تشویق ایشان با درج شرط استفاده از این فناوری‌ها در الزامات و مقررات شهری (پایان کار) در دسترس‌پذیری روش‌های نوین تأثیر جدی دارد.

لایه‌ی دوم تنظیم مقررات است: به نظر در بسیاری از موارد علت وقوع تخلفات شهری، تنظیم‌گرایانه نبودن مقررات است. در این حالت شهروندان با مشاهده‌ی خروج مقررات از کارکرد تنظیم‌گرایانه در خصوص تبعیت از آن دچار تردید می‌گردند. تنظیم‌گرایانه نبودن مقررات باعث می‌گردد تا دایره‌ی محدودسازی رفتارهای مباح و مشروع شهروندان با

1. luxe

مقررات حرفه‌ای بسیار محدود گردد و شهروندان برای برطرف شدن نیازهای خود مجبور به نقض قوانین و مقررات گردند. لذا در وهله‌ی اول می‌باید مقررات را تنظیم‌گرایانه طراحی گردد که به معنای لحاظ نیازهای مشروع، نگرش‌ها و دیدگاه‌های شهروندان و انطباق آن‌ها با ارزش‌های مقبول ایشان است... تجربه نشان داده است مقرراتی تنظیم‌گر همانند الزامات طراحی و ساخت ابنیه، مقررات مرتبط با عدم اجازه احداث پارکینگ یا معافیت از احداث آن برای منازلی که در فاصله‌ی ۱۰۰ متری تقاطع‌ها قرار دارند و یا ممنوعیت احداث دو در ماشین‌رو برای منازل دارای عرض کمتر از ۱۰ متر برای جلوگیری از قطع درختان موجود در جلوی ساختمان‌های در حال احداث، مقررات‌گذاری در حوزه‌ی طراحی فضاها و پارک‌های شهری برای رؤیت‌پذیری بالا، اجباری نمودن استانداردهای حداکثر از روشنایی، اختصاص فضاهایی برای کسب و کارهای غیر ثابت در مورد تخلف دست‌فروشی در پارک‌ها، تعبیه فضاهای تجاری و کاربری‌های همانند آن برای اشتیاق‌پذیری حضور شهروندان در آن‌ها و افزایش امنیت تأثیر به‌سزایی دارد. تکیه بیش از حد بر نقش نظارتی نهادهای دولتی و عمومی و راهکارهای حمایتی از اقدامات ایشان در این موضوع که غالباً شکل کیفری به خود می‌گیرد. مانع جدی در حذف قوانین فرسوده ایجاد می‌کند بر فرض مثال روش طراحی شده برای پیشگیری از تخلف فقدان معاینه‌ی فنی خودروهای سواری توسط نهادهای دولتی با ضمانت اجراهای کیفری همانند جریمه‌ی نقدی و در مواردی توقیف خودرو حمایت می‌گردد، این در حالی‌ست که اجرای این روش پس از سال‌ها نتوانسته در کاهش معضلات مربوطه مؤثر واقع گردد. در مواردی این حمایت‌ها به تلاش مداخله‌گران برای حفظ منافع خود از مسیر اصرار بر مقررات تفسیر می‌گردد. لذا دخالت دادن مراکز غیر دولتی یا خصوصی در امر تنظیم مقررات و ترویج خودتنظیمی بسیار دارای اهمیت می‌باشد. در بسیاری از موارد به‌رسمیت شناخته نشدن نیازهای مشروع شهروندان امکان زیست شرافتمندانه شهروندان را مورد هجمه قرار می‌دهد. مجوز بازی و الزام شهروندان به اخذ تأییدیه‌ی مدیریت شهری در هر نوع فعالیتی که قصد آن را دارند، باعث عدم اقبال شهروندان به طی فرآیند قانونی و ترغیب به انجام تخلف می‌گردد، بر فرض مثال فرآیند موجود برای پیشگیری از آلاینده‌ی صنوف مبتنی بر انتقال از محدوده‌های شهری

به بیرون از شهر باعث گردیده تا شهروندان برای انجام کوچکترین تعمیر خودروی خود مجبور به طی مسافت‌های طولانی گردند و تعمیرگاه‌های خرد تعطیل شوند یا مکان‌های تعبیه شده برای استقرار دست‌فروشان به قدری فاقد توجیه اقتصادی است که برآورده‌کننده‌ی نیازهای مشروع ایشان برای امرار معاش و همچنین نیازهای مشروع شهروندان در تهیه‌ی اقلام ارزان‌تر از این افراد نیست. کمتر شهروندی را می‌توان سراغ کرد که تمایل داشته باشد تا قانونی عمل نماید اما فرایندها و گلوگاه‌های سخت وی را وادار به تخلف نموده باشد. این موضوع در نقاط ناهرخوردار باعث تشکیل قشری از شهروندان شده است که همه مایملک و رفتارهای شهری ایشان غیر قانونی است لذا به گونه‌ای باعث طرد شهروندان از گردونه‌ی رسمی شده است.

به نظر قسمتی از بدبینی شهروندان به فرآیند کنترل تخلفات شهری متأثر از پاسخگو نبودن مقامات عمومی پیرامون قصور و تقصیرهای ایشان در به وجود آوردن زمینه‌های بروز تخلفات و در نظر نگرفتن شرایط ایشان است. عدم اهتمام مدیریت شهری به رعایت شعارهایی که خود برای کاهش تخلفات شهری می‌دهد شهروندان را به سمت ارتکاب تخلفات سوق می‌دهد؛ این تناقض در گفتار و عمل باعث گردیده تا بالغ بر ۷۶ درصد از سؤال‌شوندگان کشوری معتقد بوده‌اند با پول و پارتی می‌توان حقوق افراد را پایمال کرد (پیمایش سوم، ۱۳۹۴: ۱۸۲) و برابر آمار ارائه شده از ۵۰ میلیون قبض جریمه‌ی صادره برای رانندگان متخلف کشور فقط ۲۲ درصد از رانندگان متخلف پس از اعمال قانون تخلف خود را می‌پذیرند و ۷۸ درصد از طریق ۴ روش توهین، تطمیع، تهدید یا چانه‌زنی درصدد توجیه تخلف خود و برخورد با مأمور راهنمایی و رانندگی برمی‌آیند.^۱ اقدامات پیشگیرانه از طریق تنقیح و تدوین قواعد شهری از روش‌هایی است که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از تخلفات شهری داشته باشد اما با توجه به حجم بسیار بالای مراکز مقررات گذار در این حوزه و نیز حجم بالای مقررات فرسوده و سنواتی شده، این مهم در

۱. به نقل از رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور در سایت <https://vista.ir/> تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

محاق قرار داده است. طرد اجتماعی^۱ و عوامل بازتولیدکننده‌ی آن شامل سوگیری منفی در تخصیص بودجه‌ی عمومی به مناطق شهری محروم جامعه و روندهای سخت و پر پیچ و خم صدور سند مالکیت و بهره‌برداری قانونی از املاک شهروندان، شرایط سخت برای دسترسی به امکانات شهری ((Margaret Shaw And Vivien Carli Montreal, 2011: 98 از دلایل عمده وقوع تخلفات شهری محسوب می‌گردد. شاید از عمده‌ترین دلایل تخریب اموال و مبلمان پارک‌ها و سرقت وسایل روشنایی آن، احساس بی‌عدالتی است که به یک شهروندی که از نقاط غیر برخوردار به پارک‌های مناطق برخوردار شهر آمده است دست می‌دهد. (بخارائی احمد، ۱۳۹۴: ۲۳)

به نظر تمرکز بر جذابیت‌زدایی از درآمدهای حاصله از وقوع تخلفات شهری مانند مقررات‌گذاری و تشدید اقدامات تحریمی بر بزرگ متخلفان و متخلفات اصلی در تخلفات با انگیزه‌ی کسب سود مؤثر باشد. بر فرض مثال تمرکز بر تشدید خریداران و یا استفاده‌کنندگان از خودروهای دودزا یا فاقد معاینه‌ی فنی یا تشدید مقررات و استانداردها برای فعالیت محل‌های جمع‌آوری و تفکیک غیر مجاز زباله تأثیر به‌سزایی بر پیشگیری از وقوع تخلفات شهری دارد و در مورد تخلفاتی که بر اساس دلیل فقر روی می‌دهند ایجاد جذابیت در مشارکت دارای اثر می‌باشد. بر فرض آلودگی هوا از طریق رانندگی با خودروهای معیوب، متناسب با این واقعیت که عمده این خودرو از نوع خودروهایی است که توسط افراد ضعیف به کار می‌روند، طبعاً پیشگیری از وقوع آن از طریق ایجاد جذابیت برای شهروند از طریق هماهنگی برای انجام بازدیدهای رایگان خودرو در مناطق ضعیف شهر و نیز ارائه‌ی تسهیلات مالی به این افراد برای تعمیر از مجاری مشخص شده مؤثر است و در مورد جرائم پسماندی توسعه طرح‌های تفکیک از مبدأ و قرار دادن شهروندان در بازی انتفاع حاصل از این تفکیک مثلاً افزایش قیمت خرید زباله‌های تفکیک شده بر اقدامات دیگر ترجیح دارد.

لایه‌ی سوم، لایه‌ی روش‌های استفاده از راهکارهای موقعیت‌مدار است. پس از طی دو لایه‌ی قبلی می‌توان استفاده از ابزار را راهگشا دانست. در این مرحله نیز در صورتی

می‌توان به موفقیت این اقدامات امیدوار بود که جمع‌آوری داده‌ها بتواند با روش‌های استخراج داده و بهبود سیاست‌ها مبتنی بر واقعیت‌های روزانه پشتیبانی گردد. در نهایت و پس از گذشت سه لایه‌ی قبل و در صورت عدم کارایی راهکارهای لایه‌های قبلی، استفاده از راهکارهای اداری برای توقف فعالیت مزاحم یا مغایر با مقررات شهری را انجام داد. (سروی، ۱۴۰۳: ۲: ۲۵) در بسیاری موارد اخطارهای پیشگیرانه و پیش‌دستانه می‌تواند شهروند را از ارتکاب تخلف مانع گردد در این میان استفاده از راهکارهای هشداردهنده که ارتباط کمتری میان شهروند با مأموران اجراکننده‌ی مقررات برقرار کند همانند ارسال پیامک بسیار مؤثرتر از روش‌های دستی و معمول با حضور ضابط قضایی است که شهروند را در حالت عدم مشارکت قرار می‌دهد.



نتیجه‌گیری

یکسانی روش‌های پیشگیری در جرائم و تخلفات شهری، باعث غفلت از ویژگی‌های تخلفات شهری گردیده و مجریان را به سمت اتخاذ پاسخ‌های قهری و موقعیت‌مدار سوق داده است. تخلفات شهری مفهومی مستقل از جرائم شهری بوده که نیازمند طراحی سیاست‌ها و روش‌های مختص به خود در حوزه‌ی پیشگیری می‌باشند و فقط در اصول با روش‌های پیشگیری از جرائم با هم مشترک هستند. ضعف مطالعات علمی پیرامون این مفهوم، علی‌رغم تأثیرگذاری در زندگی روزمره‌ی شهروندان در مواردی ناشی از فقدان تسلط محققین بر موضوعات شهری و در مواردی نگاه استخفاف‌ی به پرداختن به آن می‌باشد که هرگز نتوانسته از تهدیداتی که شیوع این رفتارها بر جامعه می‌گذارد تأثیری داشته باشد.

بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که ارائه‌ی پاسخ‌های فاقد هر گونه تنوع و طراحی سیاست‌های تک‌بعدی برای ممانعت از وقوع این رفتارها ظرفیت پیشگیری را ندارد لذا هر گونه الگوی اجرایی در این مورد می‌بایست زمینه‌محور، مبتنی بر بافت اجتماعی شهر و با اولویت اقدامات فرهنگی و اجتماعی روی دهد. شاید به دلیل گستردگی وقوع تخلفات شهری و عناوین گسترده آن که دایره‌ای وسیع از محیط زیستی تا کسب و کار با ماهیت‌ها و ویژگی‌های متنوع را در بر می‌گیرد، ارائه‌ی نسخه‌ای واحد پیشگیری برای همه‌ی آن‌ها سخت باشد اما این مقاله با تکیه بر ویژگی‌های مشترک بین تمامی آنها همانند اجتماعی بودن، پربسامد بودن، بر ساخت اجتماعی و تأثیر شدید بر کیفیت زندگی شهروندان و ساختارهای سیاسی و همچنین کم اهمیت تلقی شدن وقوع آنها برای غالب نظام‌های حقوقی دنیا می‌توان با الگوی ۴ مرحله‌ای رسید.

این مقاله معتقد است عدالت ترمیمی می‌تواند به عنوان نقطه‌ی تماس کنترل با شهروندان، رویکرد مناسبی برای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه از تخلفات شهری باشد. بر این اساس برنامه‌ی پیشگیری از تخلفات شهری می‌باید سهم عمده‌ی محتوای خود را از فرآیندهای توسعه و اشتغال اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی و قراردادی‌سازی اقدامات دریافت کرده و در مراحل بعدی پیشگیری از طریق مقررات‌گذاری (و بسته به

موقعیت مقررات‌زدایی) و تنظیم‌گری و به رسمیت شناختن نیازهای مشروع شهروندان تکیه کند. رفع عوامل اصلی بروز تخلف از طریق آموزش شهرنشینی و آگاهی همه اهالی، ترویج خودتنظیمی شهروندان از قاعده‌ی الگو می‌تواند باشد و برنامه‌های فعلی پیشگیری از تخلفات شهری از طریق اقدامات موقعیت‌مدار و کاهش فرصت ارتکاب بایستی پس از روی دادن یا حداقل توأمان با مراحل قبلی صورت پذیرد.



منابع

(۱) منابع فارسی

- بخارائی احمد (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی مطالعه موردی: در کلانشهر مشهد. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۴، ۱۰، ۲: ۴۸-۲۱.
- حبیبی داوود (۱۴۰۱). تبیین کارایی و نقش عملکرد مدیریت شهری بر مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم در شهرها. مجله مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای. ۳، ۳: ۴۷-۳۳.
- سروی، جعفر، فرجی‌ها، محمد و شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری ناظر به مزاحمت‌های شهری در ایران و انگلیس: از رفع مزاحمت تا حل مسئله اجتماع محور. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
- سروی، جعفر، فرجی‌ها، محمد و شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۴۰۳). رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو به کنترل جرائم و تخلفات شهری؛ پیشنهاد الگوی اجرایی. پژوهشنامه حقوق کیفری. ۱۵(2)، 95-109. doi: 10.22124/jol.2024.26488.2447
- سروی، جعفر و شیخ‌الاسلامی، عباس، ۱۴۰۲، ارزیابی عملکرد ۲۰ ساله شهرداری مشهد در حوزه مداخله در جرائم و تخلفات شهری، دهمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری، مشهد
- علی‌وردی‌نیا، اکبر و همکاران (۱۳۹۸). راهبردهای پیشگیری از جرم: عدالت ترمیمی بدیلی بر بازدارندگی سنتی و عدالت کیفری فصلنامه راهبرد فرهنگی- اجتماعی. ۸، ۳۰، بهار: ۱۷۴-۱۴۷.
- میرزائی‌ان حسن و همکاران (۱۳۹۷). آگاهی از حقوق و تکالیف شهری و عوامل مرتبط با آن: مورد مطالعه شهر مشهد، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. ۷، ۲۱، ۲: ۳۶-۱۹.

(۲) منابع لاتین

- council decision of 30 november 2009 setting up a european crime prevention network and repealing decision 2001/427/jha. official journal of the european union. l321/44.)
- ECOSOC Resolution 2002/13. Available at: https://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/crimeprevention/resolution_2002-13.pdf.
- Adeyemi, Ikuesan & Ganiyu, Shefiu & Majigi, Muhammad & Opaluwa, Yusuf & Venter, H.s. (۲۰۲۰). Practical Approach to Urban Crime Prevention in Developing Nations.

- Margaret Shaw And Vivien Carli Montreal / P R A C T I C A L Approaches To Urban Crime Prevention / 2011 / Available At https://www.unodc.org/pdf/criminal_justice/practical_approaches_to_urban_crime_prevention.pdf accessed (21.06.2023)
- Mela, A. Urban public space between fragmentation, control and conflict. *City Territ Archit* 1, 15 (2014). <https://doi.org/10.1186/s40410-014-0015-0>
- Ministry of Community Safety and Correctional Services, "Crime Prevention in Ontario : A Framework for Action," 2012. Available at <https://www.citywindsor.ca/residents/socialservices-/Social-Policy-and-Pathway-to-Potential/community-safety-and-well-being/Documents/Community%20>
- Stephen Graham (2009) Cities as Battlespace : The New Military Urbanism, City, 13 :4.

